



سال دوم شماره پانزدهم جدی سال ۱۳۹۲ خورشیدی برابر با جنوری سال ۲۰۱۴ م

## رویدادهای ماه جدی در ولایت غور



وبسایت جام غور

### دستاوردهای نوی شهرداری مرکز ولایت غور

محمد عارف «قاضی زاده» مدیر عمومی ساحوی و تخنیکي شهرداری مرکز ولایت غور میگوید، که: «پروژه ساختن حمام عصری در این شهر، دارای ۲۰ اتاق تن شوئی یک نفری، تن شوئی عمومی، پیرایشگاه (سلمانی) و فروش مواد ولوازم مورد نیاز مراجعین را، دارا میباشد، که به ارزش بیشتر از ۴ میلیون و پنجصد هزار افغانی به پایه اکمال رسیده است». آقای «قاضی زاده» بادامه افزود، حمام این شهر، با تمامی تجهیزات و امکانات روز، مجهز بوده که مشکل بزرگ همشهریان این شهر و سایر مراجعین را برطرف میسازد. مدیر عمومی ساحوی شهرداری افزود بر آن گفت: «پروژه ساختن دروازه مرکز ولایت غور به هزینه بیشتر از ۲۸ لک افغانی از بودجه توسعهی مرکز ولایت غور، اکمال شده است که این هردو پروژه، توسط محترممان والی صاحب ولایت، شهردار شهر و رئیس شورای ولایتی ولایت غور، افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت».

**۱- نگرانی از کندن کاری های خودسر، در ساحات باستانی ولایت غور**  
کندن کاری های خود سر در ساحات باستانی و قاچاق آثار بدست آمده از این ساحات، توسط مردم و شماری از زورمندان، نگرانی های متصدیان ریاست اطلاعات و فرهنگ این ولایت را سبب شده است. نظر محمد «ثاقب» آمر حفاظت ماندگار ها و آبادی های تاریخی، ساحات باستانی غور گفت: «این روند، از چند سال باین سو ادامه دارد». آقای «ثاقب» افزود: کندن کاری در ساحات باستانی با آنکه جفای بزرگی در برابر فرهنگ و آثار باستانی می باشد، ارزش همان ساحاتی را که صد ها سال حفاظت شده است، نیز از بین میبرد. وی باین باور است که هزار ها آثار باستانی، توسط کسانی که زورمند هستند و یا اینکه تحریک شده کشور های همسایه های ما هستند، از طریق قاچاق، از این ولایت، به بیرون از کشور انتقال داده شده و میشود. وی افزود: «متأسفانه در نتیجه حفاری های غیر قانونی، توسط خود مردم محل و یا زورمندان، صدها اثر باستانی به فروش رسیده و توسط قاچاق بران بین المللی به خارج از کشور انتقال یافته است». آمر حفاظت ماندگار ها و آبادی های تاریخی ولایت غور میگوید: «از مجموع دوصد و پنجاه و یک ساحه باستانی و آبادی های تاریخی که در این ولایت وجود دارد، تنها در ساحه منار جام، یک پسته امنیتی وجود دارد. به گفته وی اگر حکومت در حفظ و نگهداشت آبادی های تاریخی و ساحات باستانی بی توجهی نماید، بیم آن میرود که در آینده، یک بحران فرهنگی در این ولایت بوجود خواهد آمد. وی بیفزود: «بدون شک، اگر حکومت اقدام درستی در حفظ آثار فرهنگی تاریخی نکند، ما در آینده بسیار نزدیک، شاهد از دست دادن هویت فرهنگی تاریخی و ساحات باستانی خود خواهیم بود».



وبسایت جام غور

غور از جمله ولایات باستانی است که قریباً پانصد سال پیش (امپراتوری شاهنشاهی) را تشکیل میداد و به همین صورت، یکی از ولایاتی محسوب میشود که بیشترین آثار تاریخی و ساحات باستانی را در خود دارد. اما نظریه نبود امکانات و کمبود کارمندان (پرسونل) در این بخش، اکنون ۸۰ درصد این آبادی ها و ماندگار های، تاریخی از بین رفته است.

**۲- زورمندان غور، طالب ساز اند**  
سید انور «رحمتی» والی ولایت غور می گوید که تعدادی از افراد زورمند در این ولایت، طالبان را بوجود آورده اند. والی ولایت غور که در محفل افتتاح مکتب (نرسینگ جامعه) در مرکز ولایت غور صحبت میکرد، گفت: «افراد زورمند در این ولایت، دوگانه عمل میکنند، گاهی طالب میسازند و گاهی برای بدست آوردن منفعت، پشت دروازه ها، قطار می ایستند تا مردم را از حق مشروع شان محروم سازند». آقای رحمتی با آنکه افراد زورمند را مشخص نکرد اما گفت، بیشتر نا امنی ها در این ولایت، از سوی زورمندان، ایجاد میشود و بی ادماً افزود: «زورمندان در حقیقت، مردم را به گروگان گرفته اند». والی ولایت غور با آنکه از بسته بودن ۵۰ سایت انتخاباتی از اثر نا امنی ها در تعداد از ولسوالی های این ولایت، اظهار نگرانی کرد، اما گفت، جائیکه ضمانت وجود نداشته باشد، هرگز صندوق های رایدهی گذاشته نخواهد شد. وی از باشندگان ولایت غور خواست تا با نیروهای امنیتی در راستای تامین امنیت، همکاری نموده تا باشد که محلات انتخاباتی افزایش یابند. این اظهارات در حالی صورت میگیرد که بسته بودن تعدادی از محلات انتخاباتی در ولایت غور، نگرانی های جدی را برانگیخته است.

(ادامه در صفحه ۴)



# اسلام، قوم گرایی و ملیت گرایی

غلام حضرت (سخا) محصل صنف سوم شرعیات دانشگاه پنجشیر

تعریف قوم گرایی و ملیت گرایی

قوم گرایی و ملیت گرایی که از زبان لاتین (ازترای بلیسیم - tribalism و لاسیونالیسم nationalism) اقتباس شده است، امروز به معنی اصالت دادن به تعلقات قومی و ملیتی می باشد، یعنی انسانی باچنین باوری، خود را به جهت پاره از تعلقات، از قبیل داشتن سرزمین، زندگی و رسوم مشترک، یا همخونی و داشتن نژاد مشترک و یا به جهاتی از این قبیل، متعلق به قوم و ملیتی بشمارد و خود را از انسان های دیگر اقوام و ملیت ها، جدا بداند و همواره توجه خود را به تأمین منافع قومی ولو مستلزم رسیدن زیان بدیگران باشد، معطوف گرداند. یا به عبارت دیگر: عصبیت (قوم گرایی) همکاری و یاری رسانی به یکدیگر است براساس قومیت، آنها میان کسانی حاصل می شود که یکی از رشتہ های پیوند زندگی، آنان را به هم نزدیک کند، مانند خویشاوندی نزدیک، یا دور، یا هم دینی و یا همملکی در یک عقیده سیاسی. پس معلوم می شود که عصبیت از مسائل عالم وجود است، چی نمی توان گفت که یک قوم و یا یک ملیت بخصوص بدان اختصاص دارد و یا به یک نژاد معینی مربوط است و یا در عصر ویژه متداول بوده و همچنان که در میان ملل بادیه نشین یافت می شود، در میان شهر نشینان نیز وجود دارد، بنابراین کلیه تبلیغات ملیتی واحساسات مربوط به غرور ملیتی و نژادی را می توان نوعی از عصبیت به معنی وسیع تر آن، شمرد.

اسلام که دین واقعی است و با همه پدیده ها بصورت

واقع بینانه تعامل می کند، در مسأله قوم گرایی نیز، نگاه منحصر به فرد را دارد و از نظر اسلام، دفاع عادلانه از قبیله، قوم، ملیت، هموطن و نزدیکان، کار نکوهیده و زشت نیست و انسان بخاطر محبت با خانه، قریه و اهل مملکت خویش و اینکه سرزمین خود را نسبت به جاهای دیگر بیشتر دوست داشته باشد، مورد ملامتی نیست و زیر سرزنش نیز قرار نمی گیرد. استاد ابوالاعلی مودودی می گوید «چنین نباید پنداشت که، اسلام تمامی رشتہ های مادی و انسانی را قطع کرده است، هرگز، بلکه اسلام مسلمانان را به صلہ رحم، امر می کند و از قطع نمودن پیوند خویشاوندی، برحذر شان می دارد. اسلام بر اطاعت و فرمانبرداری از والدین تأکید می کند و در رابطه خونی، وراثت را ایجاد نموده است. اسلام در دادن صدقات و انفاق مال، ذوی القربی را بر غیر ذوی القربی، ترجیح داده است و...»

اگر هدف کسانی که به مبانی قوم گرایی پایبند هستند، این است که باید در احیای مجد، کرامت، عزت و عظمت قوم اش، به روش نیاکان و گذشتگان اقتدا کند، و آنان را الگوی نیک قرار دهد، فرزند باید به عظمت پدرش افتخار کند و با انگیزه پیوند خونی، برای داشتن نیاکان خود، شور و هیجان نشان دهد، ارزشمند و زیباست و ما امت را بآن تشویق می کنیم و خود نیز خواهان آنیم...

اگر هدف از قوم گرایی این باشد که به قبیله و ملیتی خود از خیر و احسان او سهم بیشتری داد و نخست باید از آنان آغاز کرد، این نیز درست است...

اگر هدف از قوم گرایی آن باشد که، چون همه درستی به سر می برند، باید کار و پیکار کرد و بطور قطع هر گروهی باید برای تحقق اهداف خود، به حد توان خود شروع و تلاش کند، تا به خواست خدا به مقصودش برسد، هدف زیبا و پسندیده است...

همه اینها و امثال آن، که در معنی و مفهوم عدل گرایی می گنجد زیبا و جذاب است و اسلام آنرا، رد نمیکند. بطور قطع، معیار

ما، همان اسلام است، و سینه ما، برای آن باز است و بان فرامیخوانیم. اما اگر حس عصبیت، آنقدر قوی باشد که عدالت را در جامعه انسانی تحت الشعاع قرار دهد، به یکی از امراض مهلک اجتماعی تبدیل می گردد. چنانچه، شخصی از رسول الله (ص) سوال کرد:

«یا رسول الله امن العصبية أن يحب الرجل قومه»

ترجمه: ای رسول خدا! آیا عصبیت این است که شخص قوم خود را دوست بدارد؟ و اما پیامبر (ص) در پاسخ فرمودند:

«لا ولكن من العصبية أن يعين الرجل قومه على الظلم»

ترجمه: نه خیر! عصبیت آن است که شخصی، قوم خود را در کارهای ظالمانه ایشان، یاری کند.

شهید حسن البنا در مورد قوم گرایی نکوهیده چنین می گوید: «اما اگر مراد از قوم گرایی، زنده کردن سنت های کهنه جاهلی و یا خاطرات پنهان، با هدف از میان بردن تمدن زنده و پویای اسلام و جدائی از منشور ور شته اسلام با ادعای قوم گرایی و افتخار به نژاد خود باشد، کاریکه برخی دولت ها کردند و به نابودی مظاهر اسلامی و عربی از جمله تغییر اسم ها، رسم الخط ها، کلمات و احیای سنت های کهنه جاهلی پرداختند، این نوع قوم گرایی، معنی و مفهوم نکوهیده و فرجام خطرناکی دارد که، شرق را دچار خسارت و زیان و پیرانگری می کند و میراث گران بهایش را تباه می نماید، مقام و منزلت آنرا از میان بر میدارد و بارزترین شاخصه هایش را نا بود و مقدس ترین شرف و عزت اش را لکه دار می کند. البته هرگز، این مورد ها به دین خدا زبانی نمی رسانند.»

مصرفیم. در پلان امسال برق، سرک، مطبه، تلفون، پارک و کودکستان شامل نیست یا اصلاً میشود گفت اینها به نوسازی نیاز دارند مانند پرسونل فنی و مسلکی اکثریت ادارات از جمله ریاست های (الف تا با) که وجود فیزیکی ندارند و چیزیکه مربوط به کنفرانس بازسازی میشود، ما آنرا انجام داده ایم یعنی رنگمالی رخ بیرونی و مردم کش تعمیراتی دولتی از بیت الخلاء کودکان مکاتب شروع تا اسکلیت مفلوک بیمارستان هشتاد ساله! ما امسال جهت (باز) سازی بخاطر رنگ کردن حشرات اینگونه استقبال کردیم بناء پاشیدن ریگ ساحلی خانم (باشه) در چشم خزنه ها باشه برای بعد! در آخر (گنجشک) تقدیرنامه بی را که در یک روی آن عکس (بوم) و در پشت آن تصویر (کرگس) حک شده بود در منقار (مینا) آویزان کرد که از بصیرت حشرات بی زبان و تندخوری مرغ های بی دندان تقدیر مینمود!

بدخشان سفر کرد. او در عوض راه از چنار گنجسکان، زادگاهش نیز دیدن کرد و از اعمار مجدد کوه های بلند منزل و ایجاد دوباره دریاهای درازمدت بمنظور آبیاری دره های ریگی و زحمات و بلند پروازی های مسئولین منطقه به نیکی قدرانی نمود. بعداً پرواز کنان بسوی فیض آباد رهسپار شد. در فرود گاه (عقاب نشین) مورد استقبال (قمری) و (طوطی) و دیگر بال داران قرار گرفت و سپس در هتل جدیدالتاسیس (تپه عقاب) که محل پذیرایی پرنده های بلند پایه است، دریای مذاکره بادوشیزه (مینا) نماینده کمیته عمارمجدد نشست. (مینا) ابنتاشریف آوری مهندس (گنجشک) را به ولایت باستانیش خیر مقدم گفت و سپس گزارش اجراءات کمیته اش به سمع هیأت متذکره رسانید. او مذاکرات تاریخی اش را با انجینیر (گنجشک) بالین جملات آغاز کرد: (ما از خدمت گزارای های پروفیسور (باز) و دوکتورس (باشه) سپاسگزاری میکنم. محالابه فضل خدا خلیلی

و قرار داد ساخت و صدور رنگ های خاکی را با رئیس شرکت (رنگمالی همسایه) امضاء خواهند کرد. خانم باشه بعد از ختم کنفرانس مستقیماً به ساحل عاج و مدیترانه میروند تا دوستان منطقه بی و استراتژیژیک کشورمان را در ارسال عاجل بوجی های ریگ برای امنیت و اطمینان بیشتر خارجی های داخل کشور تشویق نماید. یک یال از پروسه اعمارمجدد میگذرد، دیگر حشرات بخود زحمت نمیدهند از زیر رخس و خاشاک زمستانی بیرون میآیند - آنها به تازه ماندن برگ های پهن کدو، که روزهای باران و بزم زیر آن دراز میکشند، چندان اعتمادی ندارند. بیست و سه سال رابابریگ ریزان خزان عادت کرده اند و گذشته از همه وضعیت موجود را فرصت مناسب برای استراحت میدانند و برای اینکه همین محصول دیراس یعنی (صلح بازی) راهم از دست ندهند، بهر انتخابی چه داخلی و چه خارجی راضی خواهند بود. پس انتخاب آقای (باز) هم میتواند مورد قبول این موجودات باشد. یک سال و شش ماه بعد انجینیر (گنجشک) در رأس هیأت جهت ارزیابی کارهای یک ساله کمیته آقای باز به ولایت

## "باز" سازی

قرار گیرند)). کنفرانس اعمارمجدد لانه ها، که به ابتکار کشورهای متمدن جهان جهت کمک به ساختار دوباره آشیان دایر شده بود، تا خروس بانگ ادامه یافت. دریایان پرفسور (باز) و دوکتورس (باشه) به حیث رئیس و نایب رئیس کمیته اعمارمجدد انتخاب گردیدند. (عند لیب) سخنگوی دولت پرندگان این انتخابات را اقدام مناسب خواند و اظهار داشت: "از درایت و کاردانی آقای باز به هموطنانم اطمینان میدهم و به این افتخار پروسه اعمارمجدد من بعد بنام روند (باز) سازی یاد خواهد شد؛ اما قسمیکه شنیده میشود خانم (باشه) باشند کشور ما نبوده و موصوفه پاسپورت خارجی دارد. شورای اجرایی دولت؛ که فردا در شاخه های بلند ترملی جلسه خواهد داشت، بدون در نظر داشت حضور مشاورین مهمان، روی این مسئله غور خواهد کرد. پروفیسور (باز) در راه بازگشت به کشور توقف کوتاهی در پاکستان خواهند داشت

قاضی "بلبل" سخنرانی پرسوزش را با این جملات خاتمه داد: "از همه دونهای که در این کنفرانس بزرگ جمع شده اند تا به اعمارمجدد لاله های سوخته کمک نمایند ممنونیم؛ اما من بعنوان نماینده آشیانه بعد از جنگ از آقاش "سیمرغ" رئیس عمومی کنفرانس و آقایان "فاخته" و (عقاب) خواهشمندم که این کمک ها مستقیماً بدسترس خودمان قرار داده شود. آقایان! شما میدانید که 70% این بودجه صرف تشریفات اداری و شاهانه دوستان خارجی میگردد. پس پیشنهاد می نمایم که مصارف سفر، کرایه دفتر و تیل موتر زاغ و کلاغ وزغن و دیگر خارجی ها شامل این بودجه نگرند. همچنان ما از خانم (موسیچه سین لس) رئیس کل WGO ها خواهشمندیم بدون مشوره باما پروسه آبادی کشورمان را در پس کوچه و پس خمی پلان نمایند، بگذارند همه حشرات یا به اصطلاح تکتوکراف ها (مردم) هم در جریان ساختار زیر بنایی

برگرفته از گزینۀ طنز خطبه های مولوی ماده..... باامانت داری کامل.

## فسونگری های شیطان

### حکایت یکم

امام محمد غزالی "رح" در احیاء العلوم نقل میکند، یک شخص عابدی که در ادای یک عبادت دراز و طولانی الهی مشغول بود، مردم برای آن عابد گفتند که در اینجا قومی وجود دارد که درخت راپرستش میکنند، اما عابد این گپ را شنید، بسیار به غضب شد و بخاطر کردن درخت رفت. پس از آن شیطان نزد آن عابد به چهره یک شیخ آمده از آن عابد پرسید: ای عابد! کجا میروی؟ عابد در پاسخ او گفت برای کردن درختی میروم که مردم آنرا پرستش میکنند. شیطان در مقابل گفت که شما یک آدم فقیر هستید و برای چی ضرورتی در پیش آمد تا اینکه شما عبادت و ذکر خداوند "ج" را گذاشته، برای این کار کردن درخت رهسپار شوید؟ اما عابد در جواب گفت که این کار نیز در شمار عبادت من است، ولی شیطان در مقابل عابد گفت که من هرگز شما را نمیگذارم تا شما عابد این درخت را ببرید و قطع کنید. پس از این گفت و شنود، در میان هر دو، آنها جنگ شروع شد. عابد شیطان را بر زمین زد و بر سر سینه آن نشست. آن گاه شیطان گفت که من را رها کنید، من همراه شما یک گپ میزنم. عابد یک گوشه شد و پس از آن شیطان گفت: خداوند "ج" کردن این درخت را بر سر شما فرض نکرده است، پس چه ضرورت است، با وجود آنکه شما پرستش این درخت را نمیکند و هم نمیگذارید تاد دیگران آنرا پرستش کنند، آيا شما کدام نبی ای هستید و خداوند "ج" شما را امر کرده است تا شما این درخت را ببرید و قطع کنید، اگر برین و کندن هذب این درخت منظور الهی میبود، پس خداوند "ج" ضرورتاً کدام نبی ای را برای بریدن و کندن این درخت روان میکرد. عابد در مقابل گفت که من ضرورت انجام این کار را می بینم، بعد از آن باز میان هر دو جنگ در گرفت، باز هم عابد شیطان بر زمین زده و بر سر سینه اش نشست، آنگاه باز شیطان عاجز آمد، این بار یک راه دیگر را فکر کرده و در پیش گرفت و گفت که برای شما یک گپ میزنم و آن اینکه در میان من و شما یک فیصله می کنم که هم به نفع من و هم به نفع شما است. عابد گفت آن چی است؟ شیطان در مقابل گفت که شما یک آدم فقیر هستید و شما نزد خود چیزی ندارید، خوراک و پوشاک شما را دیگران میدهند، آیا شما نمیخواهید که شما هم مال زیادی داشته باشید و برای خویشاوندان و اقربان تان نیز از این مال بدهید و هم خودتان دستبند کسی نبوده و پروای کسی

رانداشته به زندگی خود ادامه بدهید. عابد در مقابل گفت: بلی! میخوام که چنین باشم، بعد از آن شیطان گفت که از بریدن و برکندن این درخت صرف نظر کنید، اما من هر روز و شب، بالای سر شما دو دو دینار میمانم، هر گاهی که صبح برخاستید آنها را بگیریید و برای اهل و عیال خود، برای همسایه ها، خویشاوندان و اقارب خود، خرج کنید، این کار برای شما هم بسیار مفید است و هم برای سایر مسلمانان خیر رسان میباشید و اگر این درخت را ببرید و برکنید بجای آن درخت دیگری غرس کنید، پس برای شما چی فایده عاید میگردد. عابد با خود اندیشیده و در پایان گفت که این شیخ راست میگوید، من کدام نبی ای هم نیستم که بریدن و یا برکندن این درخت را رسالت لازمی داشته باشم و با امر حق تعالی آنرا قطع کرده و این کار را انجام بجا کردن یک امری الهی انجام داده و در برابر از نکردن من گناهکار شوم، سخنان و وعده های که شیخ برایم گفت؛ بدون شک بمن مفید است. در نهایت عابد این فکر را کرد، سخن و گپ شیخ را قبولدار شد، همراه آن عهد کرد تا شب هنگام شب آمد، آنگاه خواب کرد، اما هنگامی که صبحگاهان برخاست بالای سر خود دودینار را دید، بسیار خوش شد، شب دوم و صبحگاه دوم نیز دو دینار را بر بالای سر خود دید و خوشتر شد، اما صبحگاه سوم عابد بر بالای سر بستر خود چیزی را ندیده و در آن هنگام به قهر شد و سپس اراده قطع کردن و بریدن همان درخت پیشین را گرفت که ناگهان شیطان روبروی عابد سرفاقت. شیطان از عابد پرسید که ای عابد! حالا اراده انجام چی کاری رادارید؟ عابد در جواب گفت که اراده بریدن درخت را کرده، میروم، ولی شیطان گفت که من هرگز نمیگذارم تا شما این درخت را قطع کنید، در این هنگام میان آن دو تن جنگ در گرفت و شیطان این بار عابد را بر زمین زده، بر سر سینه اش نشسته گفت: اگر شما باز نمیگردید، من شما را سرمیبرم، عابد فکر کرد که من چرا این بار در مقابل شیطان کمزور شدم، بدلیلی اینکه در جنگ های تن به تن گذشته من زور آور بودم اما این بار چرا شیطان زور آور تر شده، ولی شیطان در مقابل گفت که در روز های گذشته شما خاص بخاطر حصول رضای خداوند "ج" با اراده بریدن درخت میرفتید، ولی امروز شما خاص بخاطر رضای خداوند "ج" عزم و اراده نداشتید، بلکه بخاطر دریافت دینار بر آمدید، بهمین خاطر من بر شما غالب و زور شدم.

### حکایت دوم

یک روز یک شخصیت بزرگی بسوی مسجد میرفت و دید که شیطان خیلی حیران و لالوان. در حالت پریشان، در نزدیکی دروازه مسجد ایستاده است، آن شخصیت بزرگ از شیطان پرسید که گپ چی است؟ اما شیطان در جواب گفت: که بداخل مسجد به بینید، هنگام که آن بزرگ مرد بداخل مسجد نگاه کرد، دید که در داخل مسجد یک نفر نماز میخواند و فرد دیگری نزدیکی دروازه خوابیده است، آنگاه شیطان گفت که در داخل مسجد میخواهد داخل شود تادر دل نماز گزار و سوسه پیدا کند، اما این شخص که در نزدیکی دروازه خوابیده است روزه دار است، و وقتی که نفس میکشد، من شیطان مانند لمبه آتش شعله ورمیشوم و نظر بهمین دلیل بداخل مسجد رفته نمیتوانم و در همین حالت زار و پریشان به دروازه مسجد ایستاده ام.

## توجه به زبان و شعر پارسی در عهد غوریان

محب الله "منش"

دربارهای شاهنشاهان، شاهان و شهزادگان دربار بگونه الگو مرو رودی، قاضی منهاج السراج، مبارک شاه غزنوی، احمد کافی، خواجه صفی الدین، شرف الدین رئیس دارالتحریر شاهنشاه سلطان غیاث الدین غوری، از هری هروی، ظهیر الدین سگری، عجیبی جوزجانی، سید ظهور الدین یحیائی سرخسی و سید حسن غزنوی، مشهور به اشراف، که هم در دربار مسعود فرزند ابراهیم غزنوی می زیست و هم با شاعران غوری محشور بود، از این شمار اند. همین گونه شرف الدین محمد فرقندی، ضیاء الدین عبدالرفیع هروی مؤلف منظومه جلالیه در تفسیر ۹۹ نام خداوند، و نوروزیه، از شاعران با نام این عهد بودند. همین طور شمس الدین محمد سگری، مؤلف کتاب مجمع البحرین، شرف الدین احمد فراهی، دارنده مثنوی کارنامه، ناصر الدین عثمان سگری، علی صوفی و ابوالقاسم رفیعی، همه از شاعران در بار غوریان شناخته می شوند.

شاعرانی نیز بودند که به زبان و ادب عربی تسلط کامل داشتند و باین زبان شعر سروده اند که میتوان به نام های احمد میدانی نیشاپوری صاحب مجمع الامثال (ف. ۵۱۸)، علی باخرزی صاحب دمیت القصر (تذکره شاعران) و ابو نصر فراهی صاحب کتب منظوم نصاب الصبیان و جامع الصغیر (فقه شافعی) و شمار متعدد دیگری، اشاره کرد.

غوری، سایر دربارها و دولت های هم عصر آنان، چون: سلجوقیان، خوارزم شاهان و ایلخانیان، در آمد و شد بودند؛ چنان که انوری، شاعر بزرگ دربار سلجوقیان، قصایدی در مدح شاهنشاه غیاث الدین غوری سروده است.

اغلب شاعران دربار غوریان، شخصیت های چند بعدی داشتند. آنان هم عالم بودند، هم شاعر، هم هنرمند، هم منجم و هم طبیب، بگونه مثال امام فخر رازی، فقیه معروف فقه شافعی، هم متکلم و فیلیسوف، هم نویسنده بزرگ و نیز شاعر توانایی بود که هم در دستگاه غوریان و هم در دربار خوارزمشاهیان مرتبه بلندی داشت. او به دو زبان عربی و پارسی هم شعر می سرود و هم کتابت مینمود و مینوشت.

غرجستان که، از فقهای معروف کرامیه بود، هم به پارسی و هم به عربی شعر میگفت و هم در حلقه فرهنگی آن عهد شهرت فراگیری داشت. همینطور فخر الدین مبارک شاه مدبر، نیز در پهلوی دسترسی به علوم اسلامی، در نویسندگی و سرایش شعر مهارت تام داشت. عروضی سمرقندی نیز در رشته های گوناگون علوم، دسترسی داشته و قاضی منهاج السراج، و عده دیگری، از این چنانی خصوصیات فرهنگی و ادبی برخوردار بودند. شمار شاعران و نویسندگانی که به

عروضی سمرقندی، شاعر عهد غوریان، از شعر و شاعری به مثابه یک حرفه و پیشه ارزشمند نام می برد، که در کنار سایر پیشه های درباری، چون: دبیری، نجوم و طبابت نزد پادشاهان آن روزگار، مطرح بود. از این رو، جوانانی که در عفووان جوانی به سر می بردند، از همان هنگام، آرزوی رسیدن به دبیری و شاعری در دربار شاهان و شاهنشاهان را بحیث یک حرفه آبرومند فرهنگی و اجتماعی، در دل پرورانیده و در رسیدن بآن مأمول تلاش میکردند. عروضی این چند اصل را از جمله اصول، شرایط سخنوری و شاعر شدن میدانست که حفظ بیست هزار بیت از اشعار متقدمان، ده هزار بیت از اشعار متأخران و معاصران، دانستن کتب علمی و ادبی که در مورد شعر و ملزومات آن بحث میکرده است، وقوف شاعر در مورد مبنای انواع علوم که در حوزه های علمی مروج آن زمان، تدریس می شد،

همین قسم، شاعر نوپرداز، می بایست از تأیید انجمن داوران و آزمون های آن انجمن، که بطور طبیعی وجود داشت، میگذشت و آنگاه به دربار شاهان راه می یافت.

میتوان گفت، رقم شاعران، نویسندگان و علما در دربار غوریان، بیش از انتظار بود. این شاعران بطور مستقیم، در دربارهای شاهان

# Jawanan-e-Allahyar

سر دبیر: محب الله "منش"  
 معاون سر دبیر: زمان "رفعت"  
 ویراستار: عبدالمنان "ظهير"  
 تحت نظر هئیت تحریر.

تمویل کنندگان: مردم الله یار وغور.

تیراژ: ۱۰۰۰

آدرس برقی: abmannan\_zaher@yahoo.com ph:0799101476  
 Email: Mohib.manish@gmail.com Mobile No:0796148879

ماہنامہ: در رد، پذیرش و ویرایش و تلخیص مطالب، دست آزاد دارد.

ماہنامہ: مسنولیت های ناشی از تخطی های محتوایی را بعهده نگارشگران و نویسندگان مطالب ومقالات میداند.

سال دوم

شماره پانزدهم

جدی سال ۱۳۹۲ خورشیدی

برابر با جنوری سال ۲۰۱۴ م



۳- عزم باشندگان ولسوالی شهرک: بازنگه داشتن مکاتب در اولویت کاری ماست  
 علما، بزرگان و اهل معارف ولسوالی شهرک در یک گردهمایی حمایت شانرا از معارف در آن ولسوالی اعلام داشتند. در قطعنامه ای ۸ ماده ی که در این گردهمایی صادر گردید، ضمن اعلام باز نگه داشتن مکاتب آمده است که علماء و تمام مردم شهرک می خواهند با تمام نیرو و قوت خود به خاطر دفاع از معارف و زمینه فراگیری تعلیم و تربیه اولاد خویش را فراهم نمایند. همچنان در قطعنامه از والدین و تمام مردم خواسته شده است که اطفال شانرا به مکتب بفرستند.

شرکت کنندگان این گردهمایی نیز از تمامی گروه های درگیر در آن ولسوالی خواسته است تا دروازه های مکاتب را به روی شاگردان باز نگهدارد و معارف را برای اهداف شخص شان مورد استفاده قرار ندهند. حاجی مولوی عبدالروف، با اشاره به گروه های درگیر در این ولسوالی گفت: "از خدا بترسید، دیگر اطفال و جوانان ما را از حق تعلیم محروم نسازید، بگذارید مکاتب و مدارس به روی شان باز باشد."

نامبرده نقش علما را در راستای تعلیم و تربیه مهم خواند و گفت، علما مسولیت بزرگی بدوش دارند تا در تمامی مناطق ولسوالی شهرک در رابطه به اهمیت تعلیم اذهان عامه را روشن سازد و نگذارند اشخاص و افراد که میخواهند آینده اطفال شانرا از آنان بگیرند. حاجی مولوی نورالدین از حمایت همیشگی علمای شهرک رابطه به تعلیم و تربیه اظهار قدردانی کرد و از حاضرین جلسه خواست تا عملاً در مناطق که دروازه های مکاتب به روی اطفال بسته اند، در باز گشایی آن اقدام نمایند. قابل ذکر است که این گردهمایی از طرف مقام ولسوالی به همکاری تکنیکی و مالی برنامه ثبات وزرات احیا و انکشاف دهات به اشتراک بیش از ۴۰ تن عالم دین، متفقدین قومی و اهل معارف در آن ولسوالی برگزار گردیده بود.

۴- ۳۰ زن در مرکز ولایت غور، از کار آگاهی قایلین بافی، فارغ گردیدند.  
 ۳۰ تن از زنان در مرکز ولایت غور، بعد از ۶ ماه آموزش عملی، از کار آگاهی قایلین بافی، فارغ گردیدند. کار آگاهی قایلین بافی بارزش (۳۰۵۰۰) دالر امریکایی، از بودجه برنامه ملی توسعه منطوقی وزارت احیا و توسعه دهات، در سال ۱۳۹۱ در مرکز ولایت بکار آغاز کرد و اخیراً ۳۰ تن از زنان با بافتن ۳۰ تخته قایلین، از این کار آگاهی فارغ گردیدند.

انجنیر تاج محمد «زالال» رئیس ریاست احیا و توسعه دهات ولایت غور، فراگرفتن مهارت های قایلین بافی توسط زنان را کمک باقتصاد خانواده ها خواند و اظهار داشت: " صنایع دستی در رشد اقتصاد خانواده ها، نقش بسزائی دارد، امیدوارم به رشد صنایع دستی، در این ولایت، توجه بیشتری، صورت گیرد." در همین روال سید انور «رحمتی» والی ولایت غور که در مراسم فراغت زنان از این کار آگاهی قایلین بافی، شرکت ورزیده بود، ضمن تقدیر از فعالیت های ریاست احیا و توسعه دهات در این ولایت، گفت: "امیدوارم که شهرک مهاجران مرکز ولایت غور، مکانی برای مارکیت قایلین در سطح ولایت غور باشد."

آقای حسینی، رئیس شوری توسعهی شهرک مهاجران مرکز ولایت غور، با ابراز قدرانی از فعالیت های حکومت، خواهان توجه بیشتر مقامات حکومت به بیجاشندگان داخلی در مرکز این ولایت شد.

۵- برنامه ثبات، ۶۶ ملیون افغانی را به هدف تأمین ثبات، در ولایت غور مصرف میکند

برنامه ثبات وزارت احیا و توسعه دهات، بیش از ۶۶ ملیون افغانی را به هدف کاهش عوامل بی ثباتی در ولایت غور، به مصرف خواهد رسانید. هم اکنون ۲۳ پروژه مختلف عمرانی، در ولسوالی شهرک و مرکز این ولایت، از سوی برنامه ثبات در حال اجرا است که از جمله، دو پروژه آن تکمیل گردیده و به بهره برداری سپرده شده است. گفتنی است که با افتتاح و بهره برداری این دو پروژه، قسمتی از مشکلات، نزدیک به سه هزار خانواده مناطق فقیر نشین مرکز ولایت غور، مرفوع خواهد شد. انجنیر تاج محمد «زالال» رئیس ریاست احیا و توسعه دهات ولایت غور میگوید که این دو پروژه، شامل اعمار سه پایه پلچک موتر رو میباشد که در قریه های اخته خانه پایان و نهروسیج مرکز ولایت غور، با هزینه یک میلیون و هشتصد و هفتاد هزار افغانی به پایه اكمال رسیده است. رئیس ریاست توسعه دهات ولایت غور چنین میگوید: آنان تلاش دارند تا با راه اندازی اینگونه پروژه ها، زمینه اشتغال رابرای مردم و توسعه توام با ثبات را در روستاها فراهم نمایند.

مرگ جاهلیت میباشد ( یعنی مرگ او مانند مرگ کسانی است که در دوران شرک و جاهلیت مرده اند )  
 احمدشاه «مجیدی» رئیس حج و اوقاف ولایت غور اختلافات طایفوی، کشت و قاچاق مواد مخدر را، یکی از معضلات مهم، در راه تأمین صلح، عنوان کرد و از علمای ولایت غور خواست تا از طریق منابر و مساجد و در خطبه های روز های جمعه، برای مردم در این مورد، آگاهی دهند. وی گفت: "بیشترین قربانی در غور ناشی از اختلافات قومی است، از اداره محلی غور و مردم رنج دیده خود میخواهم که دیگر اختلافات قومی را کنار بگذارند و در فضای صلح و آرامش زندگی نمایند".

در همین حال، معاون شورای جوانان از فعالیت های این شورا در سطح غور یاد آوری نموده و گفت: راه اندازی جلسات با علما، جوانان و زنان در خصوص صلح و آشتی بین اقوام تأثیرات مثبت را در قبال داشته است که از آغاز این پروسه تا حال ۴ قوم باهم صلح نموده اند.

حاجره بشیری سرپرست ریاست امور زنان، گل پیدامتش فعال جامعه مدنی، نصرالله نصرتیار به عنوان بزرگ قوم برنقش زنان و بزرگان قومی در صلح و ثبات صحبت نمودند و از گروه های درگیر منازعات قومی خواستند تا به اختلافات شان نقطه پایان بگذارند.

۷- ادامه کمک های نقدی، غذایی و غیر غذایی به بیجاشندگان در چچهران

موسسات خیریه به هماهنگی ریاست عودت مهاجرین ولایت غور، برای ۵۳۰ فامیل بیجاشنده در چچهران پول نقد، مواد غذایی و غیر غذایی را توزیع نمودند. مسوولان دولتی در چچهران میگویند که دفتر ملل متحد در امور مهاجرین ۹۳۰ فامیل بیجاشنده در چچهران مرکز ولایت غور، سروی نموده که تا اکنون برای ۵۳۰ فامیل این کمک ها توزیع گردیده است. گفته میشود که برای هر فامیل مبلغ ۲۵ دالر امریکایی، ۵۰ کیلو گرام گندم، ۲ تخته تریال، ۶ تخته کمپل، ۲ بشکه پلاستیکی، سطل، سولر افتابی و ۱۰ کلچه صابون توزیع میگردد. سید انور رحمتی والی غور که در محل توزیع کمک ها به بیجاشندگان حضور داشت گفت، اداره محلی غور تلاش نموده تا مشکلات باشندگان این ولایت را به مقامات مرکزی و موسسات خیریه در میان بگذارند. آقای رحمتی گفت، دولت مرکزی شش هزار متریک تن گندم را برای باشندگان این ولایت در نظر گرفته که در حال حاضر بارگیری شده و به تمام ولسوالی های این ولایت توزیع خواهند شد. قبل ازین نیز کمک های نقدی، غذایی و غیر غذایی به بیجاشندگان در چچهران و اطراف آن توزیع گردیده بود.

در این روال باشندگان مناطق یاد شده، ضمن تقدیر از مقامات محلی، میگویند که با افتتاح این پلچک ها، مشکلات رفت و آمد وتأمین ارتباطات میان آنها و روستاهای همجوار ایشان، رفع شده است. محترم عبدالهادی رئیس شوری توسعهی دهکده اخته خانه پایان، چنین میگوید: نبود پلچک های موتر رو، در مسیر راه های صعب العبور مرکز ولایت، همه ساله مشکلات زیادی را، در فصل زمستان و جاری شدن سیلاب ها در بهارستان، برای مردم این مناطق، ایجاد کرده و گاهگاهی منجر به مسدود شدن راه های مواصلاتی با مرکز ولایت، میگردد.

ولایت غور، واقع در غرب افغانستان، از جمله ولایاتی است که تا کتون، کمترین توجهی در راستای بازسازی وانجام خدمات ملکی در آن صورت گرفته و این کار منتج به دور شدن و بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت شده است. فقر، بیکاری ، بیسوادی ، موجودیت سلاح در نزد افراد غیر حکومتی و اختلافات قومی و طایفوی در این ولایت، از عمده ترین عوامل بی ثباتی شناخته شده اند. برنامه تأمین ثبات وزارت احیا و توسعه دهات، در قسمت راه اندازی برنامه های باتوان سازی، بلندبردن درجه تأمین ارتباطات و افزایش آگاهی عامه، از راه انجام خدمات حکومتی، تلاش برای حل منازعات، ایجاد پروژه های حرفوی و ساختمانی بمنظور کاهش دادن شمار عوامل بی ثباتی، بهبود بخشیدن روابط و اعتماد سازی بین مردم و نهادهای حکومت در سطح ولایت غور و دیگر ولایات واقع در حوزه غرب کشور، فعالیت میکند.

۶- شوری علمای ولایت غور چنین شعراست: تأمین صلح، رسالت تمامی اقشار جامعه است

رئیس شوری علمای ولایت غور، تلاش برای صلح و ثبات در این ولایت را، رسالت تمامی اقشار مختلفه جامعه، عنوان کرد و از مردم خواست تا تأمین صلح را، در اولویت های کاری ایشان، جا دهند. الحاج مولوی عصمت الله «ندیم» رئیس شوری علمای ولایت غور، در یک گردهمایی که، از سوی شوری جوانان این ولایت، به همکاری مالی و تخنیکی برنامه ثبات وزارت احیا و توسعه دهات، راه اندازی شده بود، سخنرانی نمود. در این گرد همائی، علاوه بر رئیس و اعضای شوری علمای، رئیس حج و اوقاف، اعضای نهاد های مدنی، نمایندگان نهادهای زنان، بزرگان قومی، جوانان، خیرگزاران و خبرنگاران که، تعداد ایشان به ۵۰ تن میرسید، شرکت ورزیدند. رئیس شوری علمای ولایت غور نقش زنان، جوانان، بزرگان قومی، بویژه نقش رسانه ها را در راستای تأمین صلح، حل منازعات قومی و اعتماد سازی بین مردم وحکومت، مهم خوانده و از تمامی اقشار جامعه خواست، تا در آوردن صلح و آرامش در منطقه، تلاش نمایند. آقای ندیم افزود، در حدیث شریف چنین آمده است: «کسی که جنگ میکند تحت بیرق عمیت و غیرت و دعوت میکند مردم را بسوی عصبیت (تعصبات قومی ولسانی) و کسی که به غضب میشود از برای عصبیت (تعصبات قومی ولسانی) مرگ او

۶- موجودیت علل جنینیک

درجه IQ	طبقه بندی ویا کتگوری
۱۰۰ - ۸۵	نورمال
۸۵ - ۷۰	نورمال بدون تأخر
۷۰ - ۵۰	تأخر رشد عقلی خفیف
۵۰ - ۳۵	متوسط
۳۵ - ۲۰	شدید
زیر ۲۰	پیشرفته

اختلالات دوران طفولیت (تأخر رشد عقلی یا MR)

تأخر رشد عقلی مریضی ویا مشکل روانی نیست. اما کسانیکه تأخر رشد عقلی دارند، ممکن است به مریضی روانی مصاب شوند. تأخر رشد عقلی وضعیتی ویا نابسامانی است که در تمامی عرصه های رشد، مثل رشد حرکی ، شناختی ، رفتاری اجتماعی و عملکرد های زبانی وجود دارد. عقب ماندگی یک مشکل مادام العمر است که برای در ک تأخر رشد عقلی، باید بدانیم که هوش چیست؟

هوش طریقه تشریح تواناییهای شخص، برای فکر کردن ، یادگرفتن وحل مشکلات است.

در تأخر رشد عقلی، هوش فرد، نسبت به میزان اوسط هوش، پائین تر بوده و آنها نیکه این حالت را دارند، تا آخر عمر، موانی ذکاوتی پایان تری خواهند داشت و آزمون های هوش، برای تعیین درجه آتومالی های ذکاوتی ویا ذهنی استفاده میشود واین آزمون ها، بحیث آزمون های معیاری روانشناسی اند که بنام آزمون های «آی کیو» یاد میشوند.

بر اساس IQ ، تأخر رشد عقلی، بدرجات مختلف ذیل تقسیم میشود.

علت تأخر رشد عقلی، همیشه واضح نیست، اما هر مریضی یا صدمه به مغز

طفل، در دوران حمل ، در وقت ولادت ویا بعد از آن، میتواند باعث

تأخر در رشد عقلی شود.

بعضی علل تأخر رشد عقلی قرار زیرین اند:

۱- موجودیت انتانات مغزی، مثل مننژیت.

۲- ترصیض قهفی ( ضربات در سر درجریان ولادت یا بعد آن)

۳-انومالی های کروموزومی.

۴-موجودیت مشکلات در تغذی، مثل کمبود آیودین.

۵- موجودیت مواد سمی.

۱- تأخر در شاخص های رشد،

مانند: نشستن ، راه رفتن وغیره.

۲- ادامه رفتار کودکانه.

۳- نداشتن حس کنجاوی.

۴- مشکلات در مواظبت از خود.

۵- مشکلات بد خویی ، بهانه گیری وسربه هر طرف زدن.



۱- تأخر در شاخص های رشد،

مانند: نشستن ، راه رفتن وغیره.

۲- ادامه رفتار کودکانه.

۳- نداشتن حس کنجاوی.

۴- مشکلات در مواظبت از خود.

۵- مشکلات بد خویی ، بهانه گیری وسربه هر طرف زدن.